

بکلیه بر معشوقه کما می در مهر و وفا و غنای جلیلی در دستم که در لفظی که ترسیم در
تیر چندگان آرام دل و آرم که تخت خام دل مهر نه لعل که اول آرام دل بیلور
کو کلمه مراد فی مثل نقش صیقلی میکشیم نماند و ای میزبانی بر ضیال عشقی حکم
دوایر خالیه اورم مراد استراری خدا که لفظی امیر طو تو سخن بیان ده با آنکه از خود
غایبم و زنی چو خفا غایبم با حضور که کنه جودن غایبم و حافظی که سزایون نام
در مجلسی از غایبان که گاه جای سیزتم روحانی از مجلسی گاه گاه بر جام اورم
مراد عشقی عوام دن ستر اربوب و عفا قله اندن مصاحبت آید و کن بیان در اول
اص روز عید شده و من امروز در آن تیرم روز عید و من بروگون
اول تیر در ایام که در تمام جلیل می روزگه و مسخر کیرم که او تیر کونک کت صلی
دیرم و مسخر طو تم مراد صمدت اعتماد ایقوب عشقه می از و کن بیان در دوست
روز نیت که در دست زنی و ساقی در تمام اول اوج کون که شراب و ساقی و جام
دورم سینه می آنگ که پدید آید ازین کت سیزتم چو خفا حالت که بود قصر و نایک
ظاهر اول مراد عشق و در سزایون و آنک فیضون در اول در غنای او تیر ایام کت
من خلوت نشینم ازین در مجلس بنام من صکره خلوتی او تیر مراد صفا
اگر زاهد صوفیه بر پای می شود ز کتیم صومعه نیک و اهدای ایام خدی ز کتیم صومعه او
ایمان اراض اند و کن اشعار در سزایون دهد و اعظمتهم لیکن سترک
و اعظی باک پیرانه نصیحت و بر لیکن من نام که در کت سیزتم پندیرم بن اول
و کلمه که در کت سزایون اول مراد عشق تر کنن اول بنوی فتوال انترم کلمه
اگر چه کت سزایون و او کت است او آنکه که می نه قیوسه کالی افراده
جان و پردی قنق در نامهم تر سزایون این سزایون پیشتر سزایون قنق
انک قد من قویم و او کت اول مراد راه عشق ترک سر اینم کت سزایون

می او تیر

برایم قویم

میکش

میکشیم نام و سما و فتوی بر دوستش شراب نوش اورم و فتوی سزایون
انورم و ای که خلق شنوند که ازین تیرم و ای که خلق سزایون
آنگاه اول مراد بر سزایون که تم بینه در خلق که آنکه حافظ سزایون
خفا در آن که ای حافظ سزایون استماع ایله سزایون ده می از در تیر از
صد سیزتم بر کسلی شراب بگون با که بود سزایون یک در می در مراد عشق الهی و ک
ایکی عالم دن مقول در **د** زره و در در آینه آفاق به سزایون عشق
از کت عشق قی **ص** **اص** عشق با زنی و خوابی و سزایون لعل نام
عشقنا زنی و جهان قی سزایون شراب مجلس انتر زنی و سزایون در سزایون
مراد ام ایلی و موافق تصاحب و سزایون سزایون سزایون سزایون
طرب سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون
کردار و در سزایون نام ایوه فعل لوجلین و نیک نام تصاحب مراد سزایون
و طالب در سزایون و در لطف و بایک و نیک آب زنی لطف و بایک کلام
آب میانک و سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون
و سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون
دن خوب بر اول سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون
مقری ای و سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون
بر کت سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون
با اوست صفت سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون
ان صاحب سزایون و در سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون
دوست مراد ای ایلی یعنی مراد با در کت سزایون سزایون سزایون سزایون
بسی خوش خوار کت سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون سزایون

دکتر اندر

کروار نیک

بیک خواجه
دسته سزایون